

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۷ اکتوبر ۲۰۲۲

شایعات حذف افراد در شرکت سهامی طالب!

پنجشنبه - ۱۴ میزان ۱۴۰۱ - کابل: به دنبال انفجار روز گذشته در مسجد مربوط وزارت داخله، شایعاتی پخش گردید که در اثر انفجار یک تن از بزرگان و قومندانهای بنام طالب در حوزه غرب، "صدر ابراهیم" که فعلاً در سمت معین سیاسی و عملیاتی وزارت داخله مقام دارد، نیز کشته شده است. شایعه ای که بزودی از طرف مقامات آن وزارت تکذیب گردید، در یادداشت امروز مکت کوتاهی در مورد پخش چنین شایعات و هدف آنها داریم:

۱- این را باید بدانیم که طالب در کل، خلاف ظاهر یک دست و یک پارچه ای که به نمایش می گذارد، بیشتر به یک شرکت سهامی شباهت دارد که سهامداران دور و نزدیک در آن، سرمایه گذاری نموده هریک بر مبنای درصد سهمی که در کلیت شرکت دارند، در تقسیم قدرت نیز رول خود را ابفاء می نمایند.

در این شرکت سهامی دولت پاکستان هم از جانب خودش و هم از جانب دولت های امریکا و انگلستان، بیشترین سهم را دارا می باشد، بعد از سهم پاکستان و شرکاء که ضمن سلطه کامل بر باند "شبکه حقانی" اکثریت "کمیته کویته" و در نتیجه "درانی" ها را هم در اختیار دارند، سهم بیشتر را ائتلاف عربستان سعودی و امارات و به تعقیب آنها رژیم ولایت فقیه هم از جانب خودش و هم نمایندگی غیر مستقیم از روسها و چینی ها و در اخیر قطر از سهامداران اساسی به شمار می روند.

۲- تجربه نشان داده است، که دولت پاکستان و شرکاء به همان سان که در دهه نود قرن بیستم با تکیه بر سهم بیشتر شان، تمام تصمیم را خودشان می گرفتند و حکومتی را که بعد از سقوط جلالاد خاد "داکتر نجیب" به وجود آوردند، مطلقاً اتحاد هشتگانه ایران و حزب وحدت را نادیده گرفته بود، امری که یکی از دلایل جنگهای داخلی در کابل گردید، اکنون هم از همان سیاست پیروی نموده، تلاش دارند تا تمام مقامات اثر گذار و تعیین کننده در نظام ملاسالار را افراد خاص خودشان در اختیار داشته باشند.

۳- با سپردن حاکمیت به طالب و اعلام وجود نظام ملاسالار، همه شاهدیم که پاکستان به مثابه سهامدار بزرگ، تمام مناصب و مقامات را بین افراد خود تقسیم نموده، چند مقام غیر امنیتی را به نمایندگان عربستان سعودی و امارات سپرد و به زعم خودشان قضیه تقسیم قدرت را در شرکت سهامی خالته یافته اعلام نمودند.

این امر به مذاق ائتلاف رژیم ولایت فقیه و شرکاء و دولت قطر خوش نیامده، در همان آغاز اعتراضات شان را اعلام داشتند. سیاست سهامداران اصلی در قبال این عدم رضایت برخورد دوگانه با شرکای شرکت بود، یعنی از یک جانب افراد وابسته و نزدیک به آنها را که از اقوام غیر پشتون بودند، حذف نمودند، یعنی نه هزاره گذاشتند نه تاجیک و نه هم

از بیک. در مقابل افراد پشتون نزدیک به این جمع شرکاء از قماش "صدر ابراهیم، قیوم ذاکر" عوامل ایران و "عباس ستانکزی" فرد قطر و چند تن دیگر را که در جریان جنگهای زرگری شان با امریکائی ها برای خود اسم و رسمی ساخته بودند، در مناصب درجه دوم و سوم مقرر نمودند. چنانچه "صدر ابراهیم" را معین وزارت داخله، "قیوم ذاکر" را معین وزارت دفاع و "عباس ستانکزی" را معین وزارت خارجه مقرر نمودند.

۴- این تعیینات هرچند سیلی محکمی بود بر رخسار شرکای رژیم ولایت فقیه و خودش و قطری شرکت سهامی طالب، با آنهم از جانب افراد تعیین شده و سهامداران پذیرفته شده، به حمایت خود از مجموع شرکت ادامه دادند.

تا جایی که دیده می شود از مدتی بدین سو روی برخی از دلایلی که تا هنوز کاملاً روشن نیست، شایعات مرگبار کشته شدن این افراد- دوفرد اولی- و یا هم بریدن آنها از حاکمیت - عباس ستانکزی- چندین بار بر سر زبانها افتاده است. یعنی در حالی که همین چند هفته قبل شایعه کشته شدن قیوم ذاکر که مسؤولیت سرکوب و تابع ساختن مطلق مردمان پنجشیر و اندراب را بر دوش گذاشته اند و همزمان با آن آوازه افتاد که "عباس ستانکزی" به رسم احتجاج از نظام بریده و به قطر رفته است، دیروز آوازه کشته شدن "صدر ابراهیم" را پخش نمودند. این آوازه ها و شایعات می تواند روی چند دلیل صورت گرفته باشد:

*- تضاد درونی بین اعضای شرکت سهامی به حدی رشد نموده و حدت یافته است، که دیگر همسویی بین آنها را مشکل ساخته، ذهنیت حذف و تصفیة جسدی مخالفان در بین شان به وجود آمده است؛

*- سهامداران بزرگ یعنی دولتهای پاکستان، امریکا و انگلیس با این آوازه ها و شایعات به شریک و سهامدار دیگر پروژه یعنی ایران و قسماً قطر، می خواهند بفهمانند که حد شان را بشناسند، در غیر آن افراد شان حذف خواهد شد؛

*- با پخش شایعات کشته شدن افرادی مانند "قیوم ذاکر و صدر ابراهیم" می خواهند بدانند که عکس العمل دولت ایران و مردمی که این دو قومندان بین آنها در ولایات هلمند، قندهار و فراه نفوذ زیاد داشتند، چه است؛

* - منظور از پخش این شایعات، داستان "گرگ آمد گرگ آمد" چوپان بچه دروغ گوی است. سهامداران اصلی می خواهند با پخش این آوازه ها، فضاء را چنان عیار نمایند که هرگاه آنها واقعاً کشته شوند، هواداران و طرفداران شان، آن را باز هم شایعه پنداشته، به عمل انتقام جویانه دست نزنند و فرصت مهار آنها برای سهامداران بزرگ مهیا گردد. هموطنان گرامی!

هرگاه در شهر کابل در همین دوران حاکمیت نظام ملاسالار زندگانی نموده باشید و گذرتان به سرک وزارت داخله افتاده باشد، حتماً متوجه شده اید که از یکی دوکوچه و سرک مانده به وزارت داخله، نیروهای امنیتی نظام ملاسالار چنان حضور سنگین و متراکمی در منطقه دارند که افرادی چون این قلم نمی خواهد از آن محل عبور نماید، حال با در نظر داشت حضور سنگین افراد امنیتی طالب در منطقه، این که یک انتحاری از تمام آنها و ده ها دربند تلاشی بدنی عبور کند و خود را به مسجد برساند و اسکتش را انفجار دهد، امریست که به عقل جور نمی آید.

از همین رو می توان انفجار دیروز را بیشتر کار خود طالب معرفی کرد تا مخالفانش، شایعه کشته شدن "صدر ابراهیم" هم هوشدار و زنگ خطریست برای وی که بیش از این مزاحم عملکرد "سراج الدین حقانی" نگردد، ورنه به مهمانی ۷۰ حور و ده ها غلمان فرستاده خواهند شد.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!